

موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بررسی دیدگاه‌ها و ادبیات موجود

الهام رسولی ثانی‌آبادی^۱

چکیده: موضوع هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده در سیاست خارجی و همچنین مباحث داخلی این کشور است که به نظر می‌رسد تحلیل‌گران سیاست داخلی و سیاست خارجی برای شناخت بهتر ابعاد مختلف این موضوع باید قبل از هر چیز با ادبیات موجود در این زمینه و به تبع آن تکرر دیدگاه‌های گفتمانی پیرامون آن آشنایی کامل داشته باشند. دیدگاه‌های مختلفی که حاکی از برداشت‌های متفاوت از معنا و اهمیت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد. هدف اصلی این مقاله بررسی ادبیات موجود و شناسایی دیدگاه‌های متفاوت در باب موضوع هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و این ادبیات را به چند دسته کلی آثار تاریخ‌محور، آثار حقوق‌محور، آثار پیامد‌محور، آثار راه‌حل‌محور و نهایتاً آثار انگیزه‌محور تقسیم می‌کند.

واژگان کلیدی: موضوع هسته‌ای، نظام جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی، آمریکا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، امنیت، بازدارندگی.

۱.. خانم الهام رسولی ثانی‌آبادی، عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و حساسیت برانگیزترین موضوعات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موضوع فعالیت‌های هسته‌ای این کشور می‌باشد که همواره از سوی دولت‌های متخاصم به‌عنوان تهدیدی نسبت به امنیت منطقه‌ای، جهانی و همچنین تخطی از رژیم عدم تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی مطرح گردیده است و در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز بر این نکته تأکید کرده است که کسب فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای جزء حقوق مسلم و قانونی ملت ایران و مطابق با معاهده منع تکثیر سلاح‌های اتمی^۱ است (Entessar, 2009: 26-28).

به نظر می‌رسد در کنار واقعیت‌های مربوط به مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که شامل درون‌داده‌های محیطی (در قالب قطعنامه، بیانیه، تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه و یا حتی پیشنهادات هسته‌ای) و همچنین برون‌داده‌های صادره از سوی این دولت (در قالب کنش‌های رفتاری و کنش‌های گفتاری) در قبال این درون‌دادها است، یکی از مهم‌ترین ابعاد این موضوع که می‌تواند در درک سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران سیاست خارجی و همچنین سیاست داخلی بسیار مؤثر باشد، آشنایی با ادبیات موجود در باب موضوع هسته‌ای ایران است. بررسی این ادبیات نشان‌دهنده نوعی از تکثر گفتمانی در این باره می‌باشد که آشنایی با این تکثر گفتمانی و مرزبندی‌های موجود در آن هدف اصلی این نوشتار می‌باشد.

بررسی ادبیات موجود

با مروری بر ادبیات و آثار موجود درباره برنامه هسته‌ای ایران، می‌توان این ادبیات را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. **آثار تاریخ محور:** هدف این دسته از آثار بررسی تاریخی و دوره‌ای مهم‌ترین تحولات موجود در پرونده هسته‌ای ایران است.
۲. **آثار حقوق محور:** هدف این دسته از آثار بررسی ابعاد حقوقی پرونده هسته‌ای ایران از جمله حقوق و تعهدات این کشور مطابق با پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای است.
۳. **آثار پیامد محور:** تأکید اصلی این دسته از آثار بر پیامدهای حاصل از فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. این دسته از آثار درصدد بیان تأثیر

1. Non Proliferation Treaty (NPT)

هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر کشورهای منطقه، واکنش دیگر کشورها به این فعالیت‌ها و همچنین تأثیر آن بر صلح و امنیت بین‌الملل اند.

۴. آثار راه‌حل‌محور: این دسته از آثار در پی ارائه راه‌حلی برای منازعه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران هستند و تجویزاتی سیاست‌گذارانه را در این ارتباط بیان می‌کنند.

۵. آثار انگیزه‌محور: این دسته از آثار مبنای تحلیل خود را خاستگاه و یا انگیزه جمهوری اسلامی ایران از فعالیت‌های هسته‌ای قرار می‌دهند و دلایل محتمل این فعالیت‌ها را به‌رغم فشارهای محیطی مورد بررسی قرار می‌دهند.^۱

این آثار متأثر از دیدگاه‌های نظری روابط بین‌الملل به سه رویکرد اصلی تقسیم می‌شوند. رویکرد اول متأثر از دیدگاه‌های نظری واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی است که با بیان نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی این کشور و تلاش در جهت بازدارندگی منطقه‌ای را عامل اصلی این فعالیت‌ها بیان می‌کنند. رویکرد دوم متأثر از دیدگاه نظری لیبرالیسم می‌باشد که معتقد است جمهوری اسلامی ایران دارای منافع مشخص اقتصادی، علمی و تکنولوژیک در داشتن برنامه هسته‌ای است. رویکرد سوم متأثر از دیدگاه‌های معناگرایانه و سازه‌انگاران روابط بین‌المللی است که سعی می‌کنند دلیل اصلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران را براساس هویت این کشور و ارزش‌های شکل‌دهنده به این هویت تبیین نمایند.

آثار تاریخ‌محور

هدف این دسته از آثار بررسی تاریخی و دوره‌ای مهم‌ترین تحولات موجود در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، این دسته از آثار با نگاهی کاملاً تاریخی و فارغ از هرگونه دیدگاه تحلیلی به برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازند.

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثاری که در این دسته قرار می‌گیرد، کتاب تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان (۱۳۸۶) است. این اثر که مبنای تحلیل خود را بیان سیر تاریخی فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوران قبل از انقلاب و در دوران بعد از آن قرار می‌دهد، دربردارنده مجموعه مقالاتی است که بخش اول این مقالات به تاریخچه روابط هسته‌ای ایران با کشورهای چوچون آمریکا، فرانسه، آلمان و سایر کشورها در دوران قبل از انقلاب اختصاص داشته و مقالات بخش دوم نیز با نگاهی تاریخی به پیدایش

۱. لازم به توضیح است که برخی از آثار می‌توانند به طور هم‌زمان به دو یا چند یک از این رهیافت‌ها تعلق داشته باشند.

سلاح‌های هسته‌ای، روند توسعه این سلاح‌ها و تاریخچه روند هسته‌ای شدن کشورهای هند، پاکستان و کره شمالی می‌پردازد. در بخش سوم نیز مقالاتی وجود دارد که سازمان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تبیین می‌کنند.

از دیگر آثار موجود در این زمینه می‌توان به کتاب مسائل هسته‌ای ایران (اسدی، ۱۳۸۵) اشاره کرد که نویسنده در این اثر ابتدا به طور مشروحی به بیان سیر تاریخی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از قبل از انقلاب تا کنون پرداخته و در خلال این تبیین به توضیح برخی از مفاهیم انرژی هسته‌ای و کاربردهای فنی و تکنولوژیک آن می‌پردازد و سپس ابعاد فنی برنامه هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش آخر این کتاب نیز نویسنده به مفاد قطعنامه‌ها و بیانیه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین شورای امنیت اشاره کرده و آن‌ها را توضیح می‌دهد.

برنامه هسته‌ای ایران: واقعیت‌های اساسی (غریب آبادی، ۱۳۸۷) اثر دیگری است که نویسنده آن ابتدا در فصل اول به ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات دولت ایران در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات کشتار جمعی در طول تاریخ می‌پردازد و در فصل دوم نیز با نگاهی تاریخی سابقه اقدامات و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور از قبل از انقلاب تا به امروز را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس غریب آبادی با بیان این که انرژی هسته‌ای یک ضرورت انکار ناپذیر برای زندگی بشری است، کاربرد صلح‌آمیز این انرژی را در زمینه‌های بهداشتی، پزشکی و صنعتی مورد بررسی قرار داده و با بیان ابعاد فنی موضوع هسته‌ای به بررسی قطعنامه‌ها و بیانیه‌های صادر شده در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد (غریب‌آبادی، ۱۳۸۶) اثر مهم دیگری است که نویسنده در آن با نگاهی کاملاً جدید و تاریخی سعی کرده تمامی اسناد و همچنین بیانات تصمیم‌گیرندگان اصلی جمهوری اسلامی ایران را در ارتباط با پرونده هسته‌ای جمع‌آوری کند. در فصل اول این اثر، نویسنده به ارائه اسناد مربوط به موافقت‌نامه‌های همکاری هسته‌ای دولت‌های غربی با ایران در دوران قبل از انقلاب می‌پردازد و در فصل دوم نیز برنامه هسته‌ای این کشور را از دیدگاه رهبری، ریاست جمهوری و همچنین مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل سوم نویسنده به بررسی تاریخی دیدگاه جنبش عدم تعهد در قبال پرونده هسته‌ای ایران می‌پردازد و در فصول آخر اسناد مربوط به از سرگیری فعالیت‌های یوسی.اف.اف اصفهان، بیانیه‌های صادره توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین اسناد مربوط به قطعنامه‌های

۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ را ارائه می‌دهد. این اثر یکی از کامل‌ترین آثار است که به لحاظ تاریخی در مورد پرونده هسته‌ای ایران وجود داشته و تمامی اسناد مربوط به این پرونده را در بر دارد.

کتاب ایران هسته‌ای، نمادی در برابر نظام هژمونیک (دلاورپوراقدم، ۱۳۸۷)، اثر دیگری در زمینه مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است که نویسنده در این اثر ابتدا در فصل اول به تعریف واژه‌ها، اصطلاحات و مفاهیم مرتبط با فناوری هسته‌ای پرداخته و در همین راستا ساختار تشکیلاتی آژانس را نیز تعریف و تبیین می‌نماید. سپس دلاورپوراقدم در فصل دوم با نگاهی تاریخی به بیان اقدامات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوران قبل از انقلاب و بعد از آن پرداخته و در فصل سوم به قابلیت‌های کنونی این کشور در حوزه فناوری هسته‌ای می‌پردازد. بخش پایانی کتاب نیز رویکردهای گوناگون مراکز پژوهشی غرب در قبال موضوع هسته‌ای ایران را به بحث گذاشته و در خلال آن به اقدامات دولت آمریکا و دیگر دولت‌های غربی در قبال توسعه دانش هسته‌ای در جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود.

در کنار کتاب‌های منتشر شده، بسیاری از مقالات نیز در زمره آثار تاریخ‌محور قرار می‌گیرند، از جمله مقاله "بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد" (فلاحی، ۱۳۸۶) که نویسنده آن ابتدا با نگاهی تاریخی به تحلیل سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد می‌پردازد و این دو دیپلماسی را در قالب دیپلماسی دور اول و دیپلماسی دور دوم طبقه بندی می‌کند. در این مقاله نویسنده با بیان وقایع هسته‌ای و جهت‌گیری‌های دولت خاتمی و احمدی نژاد در قبال وقایع بیرونی بر این باور است که الگوی رفتاری حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم در حوزه مسائل هسته‌ای، مبتنی بر یک انطباق تهاجمی بوده است. الگویی که بیش از آن که تابع قدرت و امکانات یک کشور و شرایط بین‌الملل باشد، تابع دیدگاه‌ها و ویژگی‌های شخصی و رویکرد تیم تصمیم‌گیرنده می‌باشد. سپس نویسنده برای توضیح بیشتر این ادعای خود در قسمت پایانی مقاله به بررسی مقایسه‌ای و تاریخی سیاست هسته‌ای دو دولت پرداخته و با استفاده از اطلاعات تاریخی سعی در اثبات فرضیه خود دارد.^۱

۱. از دیگر آثار که می‌توان آن‌ها را در ذیل آثار تاریخ‌محور جای داد، می‌توان به مقالاتی چون: "فراز و فرود حقوق هسته‌ای ایران از شورای حکام تا شورای امنیت" (ساعد، ۱۳۸۵)، "پرونده هسته‌ای ایران از آغاز تا کنون" (کریمی، ۱۳۸۴)، "وقایع نگاری تحولات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶" (دارمی، ۱۳۸۶) و نهایتاً کتاب دستاورد هسته‌ای دولت نهم (غریب‌آبادی، ۱۳۸۶) اشاره کرد.

آثار حقوق محور

بخش دیگری از آثار مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران آثاری هستند که با نگاهی حقوقی به تجزیه و تحلیل این مسئله می‌پردازند. به عبارت دیگر هدف این دسته از آثار بررسی ابعاد حقوقی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از جمله حقوق و تعهدات این کشور مطابق با پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای است.

مقاله "حقوق بین‌الملل و برنامه هسته‌ای ایران" (امیدی، نصری، ۱۳۸۶)، از جمله مقالاتی است که در آن نویسندگان ابتدا به بررسی نظام حقوقی حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در حقوق بین‌الملل پرداخته و سپس مبانی حقوقی اقدامات این کشور و اختلافاتش با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را مورد بررسی قرار می‌دهند. نویسندگان در این مقاله به‌طور تفصیلی به بیان ویژگی‌های حقوقی ارجاع پرونده جمهوری اسلامی ایران به شورای امنیت و تحلیل رابطه اصول حقوقی مورد قبول ملل متمدن و برنامه هسته‌ای این کشور می‌پردازند.

مقاله "حقوق در بند سیاست: تحلیل قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در خصوص برنامه هسته‌ای ایران" (ساعد، ۱۳۸۶)، اثر دیگری است که در آن نویسنده ابتدا به تحلیل ابعاد حقوقی پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل می‌پردازد و سپس قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای این کشور را به لحاظ حقوقی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و در همین راستا پیچیدگی‌ها و معضلات حقوقی ناشی از بازی‌های سیاسی در مورد پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را تحلیل می‌کند. به نظر نویسنده در روند تصمیم‌گیری شورای امنیت در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، انگیزه‌های سیاسی شورا چنان بر حقوق بین‌الملل هسته‌ای سایه افکنده است که به وضوح می‌توان رابطه قدرت و تأثیرگذاری سیاست بر حقوق را مشاهده کرد.

"نگرش حقوقی به موافقت‌نامه پاریس درباره برنامه هسته‌ای ایران" (سادات میدانی، ۱۳۸۳)، مقاله دیگری است که در آن نویسنده با نگرشی حقوقی به تحلیل موافقت‌نامه پاریس که در سال ۲۰۰۴ میان ایران و سه کشور اروپایی بسته شد، می‌پردازد و ابعاد حقوقی مفاد این موافقت‌نامه را به دقت مورد بررسی قرار می‌دهد. به نظر نویسنده امضای این موافقت‌نامه از زوایای حقوقی و سیاسی مختلفی قابل نقد و بررسی است. به عنوان مثال امکان تلقی این موافقت‌نامه به عنوان یک معاهده بین‌المللی و انطباق روند انعقاد آن با آئین مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای ورود این کشور به معاهدات بین‌المللی جای تردید دارد. نویسنده همچنین در این مقاله با استدلالی حقوقی بر این باور است که امکان اتخاذ موضع شدیدتر شورای امنیت

یا دیگر نهادهای بین‌المللی علیه دولت ایران براساس موافقت‌نامه پاریس در آینده زیاد است.

آثار پیامدمحور

بخش اعظمی از ادبیات موجود در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، آثاری هستند که تأکید اصلی را بر پیامدها و نتایج حاصل از این فعالیت‌ها می‌گذارند و تأثیر هسته‌ای شدن دولت ایران را بر همسایگانش به‌خصوص رژیم صهیونیستی و یا قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون آمریکا مورد بررسی قرار می‌دهند. بخشی از این آثار نیز با نگاهی کلان‌تر و به‌طور خاص به ارتباط میان هسته‌ای شدن ایران و صلح و ثبات نظام بین‌الملل می‌پردازند.

مقاله "آینده اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران" (Weiss, 2009)، از جمله مقالات مهمی است که در آن نویسنده به بیان نظرات و دیدگاه‌های رهبران رژیم صهیونیستی در مورد هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. به نظر نویسنده رهبران این رژیم ضمن ابراز نگرانی از هسته‌ای شدن ایران، معتقدند که این کشور عضو پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای است و باید کاملاً تحت نظارت سازمان انرژی اتمی باشد. نویسنده همچنین بیان می‌کند که از نظر رهبران رژیم صهیونیستی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران و دستیابی این کشور به سلاح‌های هسته‌ای منجر به ناامن شدن منطقه خاورمیانه و برهم خوردن توازن قوا در این منطقه می‌شود، چرا که ایران به‌عنوان یک کشور تجدیدنظرطلب درصدد صادر کردن این سلاح‌ها به دشمنان رژیم مذکور است. نویسنده در بخش پایانی مقاله خود ضمن مروری مختصر بر فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به بیان گزینه‌های سیاست‌گذاری رژیم صهیونیستی و آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد و مقاله خود را با این سؤال به پایان می‌رساند که آیا واقعاً برنامه هسته‌ای ایران می‌تواند واجد نتایج خطرناکی برای رژیم صهیونیستی در منطقه باشد؟

مقاله دیگری که می‌توان آن را در زمره آثار پیامدمحور قرار داد، مقاله‌ای است با عنوان "تأثیر هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر امنیت اسرائیل" (Sadr, 2005)، که نویسنده در بخش اول این اثر ابتدا به بیان تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای ایران از قبل از انقلاب تاکنون پرداخته و سپس با مفروض قرار دادن نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، در بخش دوم مقاله به بیان انگیزه‌های رهبران رژیم صهیونیستی در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای می‌پردازد و استدلال می‌کند که این

رژیم به دلیل آن که استراتژی امنیتی خود را بر پایه بازدارندگی قرار داده است، به این سلاح‌ها روی آورده است. با این مقدمات نویسنده در بخش سوم مقاله خود که در واقع مهم‌ترین بخش مقاله وی را شکل می‌دهد، به بیان پیامدهای دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح اتمی بر امنیت رژیم صهیونیستی می‌پردازد و بیان می‌کند که هسته‌ای شدن ایران می‌تواند امنیت این رژیم را از دو طریق حمله مستقیم نظامی و یا در اختیار گذاشتن این سلاح‌ها به گروه‌های مبارز از جمله حزب ا... لبنان مورد تهدید قرار دهد. نویسنده سپس شرایط اقدام در هر گزینه را به طور تفصیلی مورد بررسی قرار داده و مقاله خود را با این نتیجه‌گیری به پایان می‌رساند که هر دو شیوه به معنای به مخاطره انداختن امنیت وجودی رژیم صهیونیستی است.

مقاله "پیامدهای جهانی دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح‌های هسته‌ای" (پرکوویچ، ۱۳۸۷)، از جمله مقالات دیگری است که درصدد تبیین تأثیر هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران است. نویسنده در این مقاله بیان می‌کند که هرگونه تغییر و تحولی در نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران از جمله هسته‌ای، به دلیل موقعیت استراتژیک این کشور در منطقه خاورمیانه تأثیرات مستقیمی بر منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی داشته و به طور کل "نظم بین‌المللی" را بر هم می‌زند! بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید با درجاتی از اجبار برنامه هسته‌ای خود را ترک کرده و به درخواست‌های بیرونی عمل نماید. به نظر نویسنده این درجاتی از اجبار می‌تواند طیفی از انزوای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی تا اشکال مختلف اقدام نظامی را در برگیرد. در قسمت پایانی مقاله نویسنده به بررسی واکنش‌های بازیگران مهم بین‌المللی در قبال هسته‌ای شدن ایران می‌پردازد و مواضع اعضای شورای امنیت، اتحادیه اروپا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همچنین کشورهای مسلمان را به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهد.

مقاله "طرح و تبیین رویکردهای استراتژیک آمریکا و اسرائیل در قبال سیاست‌های اتمی ایران" (ستاری، ۱۳۸۳)، از مقالات دیگری است که نویسنده در آن به بررسی رویکردهای رژیم صهیونیستی و آمریکا در قبال سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و میزان نزدیکی این رویکردها به یکدیگر را مورد سنجش قرار می‌دهد. به نظر نویسنده اگرچه نوعی اختلاف در مواضع رژیم صهیونیستی و آمریکا در قبال مسائل هسته‌ای این کشور وجود دارد، اما در صورت تداوم سیاست‌های مقاومت‌جویانه ایران و هسته‌ای شدن این کشور، اجماع جهانی علیه آن افزایش می‌یابد. نویسنده در این مقاله همچنین به بیان پیامدهای هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران و تأثیرش بر گزینه‌های استراتژیک آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی می‌پردازد.

"رویکرد اعراب نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران" (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶)، از جمله مقالات پیامدمحور دیگری است که نویسنده در آن به بررسی پیامد هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر واکنش‌ها و جهت‌گیری‌های کشورهای عربی و همچنین اعضای شورای همکاری خلیج فارس می‌پردازد و در این راستا منافع و هزینه‌های این کشورها را در قبال اتمی‌شدن ایران به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مقاله سعی می‌شود تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا جهان عرب رویکرد واحدی به برنامه هسته‌ای ایران دارد؟ نویسنده پاسخ به این سؤال را منفی دانسته و استدلال می‌کند که هسته‌ای شدن ایران همراه با بی‌اعتمادی و بدبینی غالب کشورهای عربی است، اگر چه تعداد کمی از این کشورها نیز معتقدند که ایران حق دارد تا به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و نه سلاح اتمی دست پیدا کند.

"مناظره کنت والتز و اسکات سیگن در مورد برنامه هسته‌ای ایران و تأثیر آن بر ثبات نظام بین‌الملل" (Waltz and Sagan, 2003)، یکی دیگر از آثاری است که در آن دو نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل به بیان عقاید خود در ارتباط با پیامدهای هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر صلح و امنیت بین‌المللی می‌پردازند. در همین راستا والتز در نظری متفاوت با سیگن معتقد است که هسته‌ای شدن ایران و حتی دستیابی این کشور به سلاح اتمی به هیچ‌وجه نباید موجب نگرانی اعضای جامعه بین‌المللی شود، چرا که این امر باعث افزایش بازدارندگی در سطح منطقه و نظام بین‌الملل شده و جنگ را کاهش خواهد داد. در همین راستا والتز برای تأیید مدعای خود به دوران جنگ سرد اشاره می‌کند و بیان می‌کند که در این دوران بازدارندگی هسته‌ای میان دو ابرقدرت شرق و غرب باعث ایجاد صلح و ثبات در نظام بین‌الملل شده بود و خطر هر گونه جنگی را کاهش داده بود. در مقابل والتز، سیگن به عنوان حامی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در نظام بین‌الملل استدلال می‌کند که هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران برای ثبات این نظام بسیار خطرناک بوده و باعث نوعی مسابقه تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه می‌شود. بنابراین، این کشور به عنوان یکی از اعضای معاهده منع تکثیر نباید به این سلاح‌ها دسترسی پیدا کرده و صلح و ثبات نظام بین‌الملل را با خطر مواجه گرداند.

کتاب سیاست هسته‌ای ایران و آژانس بین‌المللی (Zak, 2004)، نیز اثر دیگری است که نویسنده در آن به بیان پیامد هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته و در همین رابطه استدلال می‌کند که جامعه جهانی کنترل تسلیحات در اوایل دهه ۱۹۹۰ به خاطر کشف برنامه‌های هسته‌ای عراق و کره شمالی به عنوان امضاکنندگان پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای کاملاً شوک زده شده و به

همین خاطر اژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای مقابله با این چالش‌ها و بالا بردن قدرت بازرسی خود به تصویب یک رژیم گسترده‌تر امنیتی که به پروتکل الحاقی مشهور است، پرداخت. در همین ارتباط جمهوری اسلامی ایران یک مورد مناسب برای ارزیابی توانایی این پروتکل الحاقی است و این دولت باید به عنوان یکی از اعضای پیمان عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای به امضا و تصویب هرچه سریع‌تر این پروتکل پرداخته و بدین‌وسیله از برنامه‌های جاه‌طلبانه هسته‌ای خود دست بردارد. چرا که به نظر نویسنده هسته‌ای شدن ایران دارای مخاطرات زیادی برای منطقه خاورمیانه بوده و این منطقه را با بی‌ثباتی و ناامنی روبرو می‌گرداند و توازن قوای موجود در آن را بر هم می‌زند.

آثار راه‌حل محور

بخش دیگری از آثار مربوط به مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، آثاری است که در پی ارائه راه‌حلی برای منازعه هسته‌ای این کشور است و شامل تجویزاتی سیاست‌گذارانه در این ارتباط می‌باشد. یکی از این آثار مقاله‌ای است تحت عنوان "ایران هسته‌ای شده: یک مسئله مشکل اما قابل حل" (پوزن، ۱۳۸۷)، که نویسنده این مقاله تلاش کرده تا گزینه‌های فراروی ایالات متحده آمریکا و غرب را در صورت به شکست انجامیدن مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد. در همین زمینه، نویسنده برای پیدا کردن راه‌حل مناسب، به تشریح گزینه‌های مختلف سیاست‌گذاری غرب در قبال جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و معتقد است که رویکرد مناسب برای مقابله با این کشور طرح و تدوین استراتژی‌های تحدید نفوذ، بازدارندگی و همچنین زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یک ایران هسته‌ای است. وی معتقد است که با استفاده از استراتژی مهار و بازدارندگی، خطرات ناشی از دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای کاهش می‌یابد و این گزینه‌ای است که بیش از گزینه‌های دیگر اهداف ایالات متحده را تامین می‌کند.

از دیگر آثار راه حل محور، مقاله‌ای است تحت عنوان "هزینه‌ها و منافع جنگ پیش‌گیرانه در مقابل بازدارندگی" (لوگان، ۱۳۸۷) که توسط مؤسسه کیوتو در زمینه کارآمدی سیاست بازدارندگی و مهار نسبت به جنگ پیش‌گیرانه در قبال جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است. نویسنده در این مقاله بیان می‌کند که رهیافت دیپلماتیک دولت بوش در بازداشتن ایران از برنامه هسته‌ای خود با شکست روبرو گردیده و در نهایت دولت ایالات متحده مجبور به استفاده نیروی نظامی علیه این کشور خواهد شد، اما سیاست‌مداران این کشور باید در نظر داشته باشند که مزایای بازدارندگی دولت ایران به مراتب بیشتر از حمله نظامی است و این کشور برای حل مسالمت‌آمیز

مساله هسته‌ای باید به سوی پذیرش هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران گام برداشته و سیاست‌های خود را متناسب با این موضوع تغییر دهد.

مقاله "تغییر منافع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران" (پرکویچ، ۱۳۸۷) یکی دیگر از مقالاتی است که نویسنده آن خطاب به سیاستمداران ایالات متحده بیان می‌کند که برای حل مسئله هسته‌ای ایران و تغییر منافع این کشور در این باره، دولت ایالات متحده باید از سیاست اعمال تحریم‌های یک‌جانبه دست برداشته و به همکاری‌های مؤثر با اعضای اتحادیه اروپا و روسیه بپردازد و این کشورها را با خود همراه و موافق گرداند. دولت آمریکا علاوه بر متقاعد کردن جمهوری اسلامی ایران به ترک فعالیت‌های هسته‌ای خود در چارچوب اقدامات اعتمادساز، باید جوامع اطلاعاتی خود را تشویق کند تا تمامی سعی خود را در شفاف‌سازی برنامه‌های هسته‌ای ایران انجام داده و اطلاعات دقیقی را در اختیار جامعه بین‌المللی قرار دهند.

یکی دیگر از مقالات راه‌حل‌محوری که در آن نویسندگان سعی می‌کنند به ارائه تجویز مناسب برای موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بپردازند، مقاله‌ای است با عنوان "برنامه هسته‌ای ایران و آینده روابط ایران و ایالات متحده" (Ozcan, Ozdamar, 2009) که در این مقاله نویسندگان پس از مرور کوتاهی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران از قبل از انقلاب تا به امروز، بیان می‌کنند که این کشور به دلیل موقعیت تاریخی و جغرافیایی خود در طول تاریخ همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ به خصوص ایالات متحده بوده است، این در حالی است که وقوع انقلاب اسلامی در این کشور باعث شده تا دولت آمریکا نفوذ سنتی خود را در آن از دست داده و به دنبال بهانه‌ای باشد تا جمهوری اسلامی ایران را مورد مؤاخذه بین‌المللی قرار دهد. از سوی دیگر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و همچنین وقوع حملات ۱۱ سپتامبر، روابط ایران و ایالات متحده را وارد مرحله جدیدی کرده که اگر سیاستمداران ایالات متحده بتوانند در قبال آن سیاست مناسبی اتخاذ کنند، منافع بسیار زیادی را از آن خود کرده اند. با این مقدمات نویسندگان در قسمت پایانی مقاله خود چهار سناریو را برای کشورداران ایالات متحده در قبال هسته‌ای شدن ایران بیان می‌کنند که هرکدام از این سناریوها می‌تواند برای این کشور دربرگیرنده منافع و یا هزینه‌هایی باشد. این سناریوها عبارت‌اند از: دیپلماسی، تحریم‌های اقتصادی، استفاده از افکار عمومی و رسانه‌ها و نهایتاً به کاربردن نیروی نظامی.

مقاله "تجزیه و تحلیل منازعه هسته‌ای دولت ایران" (Rashid, Kinjo, 2009)، یکی دیگر از مقالاتی است که در آن نویسندگان با بیان این که مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به خاطر ابعاد اقتصادی، سیاسی و شاید هم

نظامی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار گردیده است، برای تجزیه و تحلیل منازعه مربوط به این برنامه به ارائه یک مدل تحلیلی پرداخته و بر اساس این مدل، راه‌حلهایی را نیز ارائه داده‌اند. براساس نتیجه‌ای که از این مدل و راه‌حل‌های ممکن حاصل می‌شود آن است که راه‌حل صلح‌آمیز برای منازعه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، به عنوان بهترین راه‌حل زمانی اتفاق می‌افتد که این کشور ادراکات خود را نسبت به دیگری که همان اعضای شورای امنیت و گروه مذاکره‌کننده هستند، اصلاح کند. بنابراین، در این مدل تأکید بسیار زیادی بر بازیگران کلیدی منازعه هسته‌ای ایران از جمله اعضای شورای امنیت و نگاه دولت ایران به این بازیگران می‌شود.

آثار انگیزه‌محور

آخرین بخش و شاید مهم‌ترین رهیافت مربوط به ادبیات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، آثار انگیزه‌محوری را شامل می‌شود که مبنای تحلیلشان خاستگاه و یا انگیزه اصلی این دولت از فعالیت‌های هسته‌ای و پیگیری این فعالیت‌ها علی‌رغم فشارهای بین‌المللی است. خود این آثار را همان‌گونه که بیان شد می‌توان با توجه به خاستگاه گفتمانی و دیدگاه نظری شان به سه شاخه یا رویکرد مهم که هرکدام متأثر از یک دیدگاه نظری روابط بین‌الملل هستند، تقسیم کرد. رویکرد اول از این آثار مربوط به نظرات امنیت‌محور بر اساس تحلیل‌های واقع‌گرایانه و نواقح‌گرایانه روابط بین‌الملل است، که با بیان نظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، محیط امنیتی این کشور و تلاش در جهت بازدارندگی منطقه‌ای را عامل اصلی این فعالیت‌ها بیان می‌کنند.

تحلیل‌گرانی که با نگاه واقع‌گرایی به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نگاه می‌کنند، درصدد هستند که واقع‌گرایانه‌بودن این سیاست را براساس مبانی عینی و شرایط محیطی و پاسخ عقلانی نسبت به آن تبیین نمایند. در این آثار تأکید بر آن است که جمهوری اسلامی ایران در یک محیط ناامن منطقه‌ای قرار گرفته و به عنوان کنش‌گری عقلانی باید برای مهار تهدیدات، قدرت بازدارندگی خود را افزایش داده و با ادامه فعالیت‌های هسته‌ای و سازش‌ناپذیری در این زمینه به اهداف خود دست یابد. بنابراین، این دسته از تحلیل‌گران با نگاهی امنیت‌محور و ملهم از نظریه بازدارندگی کنت والتز، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را دارای ماهیتی کاملاً نظامی می‌دانند و معتقدند که این کشور برای دستیابی به توازن قدرت و حفظ امنیت سرزمینی، نه تنها درصدد کسب توانایی ساخت سلاح هسته‌ای است، بلکه درصدد ساخت این سلاح‌ها و تولید و نگهداری آن‌ها نیز می‌باشد. البته مطابق با این دیدگاه

جمهوری اسلامی ایران هرگز از سلاح‌های هسته‌ای برای ایجاد ضربه اول استفاده نمی‌کند، چرا که بر پایه منطق بازدارندگی هسته‌ای، این سلاح‌ها کاملاً ماهیتی بازدارنده دارد و پیش از آن که سلاحی نظامی باشد، یک اسلحه سیاسی است (فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۶۳). از سوی دیگر در معمای امنیتی حاکم بر منطقه‌ای که ایران در آن به سر می‌برد، طبیعی است که این کشور به عنوان کنش‌گری عقلانی نسبت به افزایش قدرت همسایگان خود واکنش نشان داده و درصدد باشد تا توانایی هسته‌ای خود را برای بازداشتن آن‌ها از ایجاد ضربه اول افزایش دهد. همسایگانی همچون هند، پاکستان و رژیم صهیونیستی که از یک سو در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در گروه "آستانه‌ای" دارنده سلاح‌های هسته‌ای جای گرفته و از سوی دیگر از ورود به پیمان منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای اجتناب کرده و از پذیرش بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از تأسیسات و مواد هسته‌ای خود سر باز می‌زنند (هاولت، ۱۳۷۸: ۳۶).

از دیگر آثاری که در این شاخه جای می‌گیرند "مناظره کنت والتز و اسکات سیگن در مورد برنامه هسته‌ای ایران و تأثیر آن بر ثبات نظام بین‌الملل" (Waltz and Sagan, 2003) است که علاوه بر بحث بر روی پیامدهای هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران بر صلح و ثبات بین‌المللی، به انگیزه‌های این دولت نیز می‌پردازد. در این اثر والتز نظریه پرداز برجسته مکتب نواقع‌گرایی با دیدی کاملاً امنیت‌محور معتقد است که محیط امنیتی ایران به دلیل همسایه بودن با کشورهایی چون هند، پاکستان و رژیم صهیونیستی که از سلاح هسته‌ای برخوردار بوده و حتی عضو پیمان منع تکثیر نیز نمی‌باشند، بسیار شکننده و آسیب‌پذیر است و به همین دلیل کاملاً منطقی و عقلانی است که این کشور برای بالا بردن قدرت بازدارندگی خود و مقابله با تهدیدات منطقه‌ای به تلاش‌هایش برای هسته‌ای شدن ادامه دهد.

علاوه بر والتز تحلیل‌گران دیگری نیز هستند که مبنای تحلیل خود را در ارتباط با انگیزه جمهوری اسلامی ایران از فعالیت‌های هسته‌ای، امنیت و ایجاد بازدارندگی قرار می‌دهند. در همین زمینه می‌توان به مقاله‌ای از جفری کمپ تحت عنوان "چگونه از هسته‌ای شدن ایران جلوگیری نماییم؟" (Kemp, 2003) اشاره کرد. نویسنده در این مقاله بعد از بیان گزینه‌های پیش روی دولت ایالات متحده در قبال هسته‌ای شدن ایران، استدلال می‌کند که انگیزه اصلی رهبران جمهوری اسلامی ایران از فعالیت‌های هسته‌ای، دستیابی به سلاح هسته‌ای برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و همچنین کسب امنیت و افزایش قدرت است. وی سپس در مقاله خود به ارائه دو پرسش می‌پردازد که آیا دولت ایران به صورت پنهانی به سمت تسلیحات اتمی پیش می‌رود و یا به صورت آشکار و علنی؟ و بعد از ارائه توضیحاتی در مورد هر کدام از این پرسش‌ها

در قسمت پایانی مقاله به تأثیرات دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح اتمی بر منطقه خاورمیانه می‌پردازد.

مقاله "تصمیم‌گیری هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران" (Entessar, 2009)، از دیگر مقالاتی است که نویسنده آن ابتدا با بررسی حلقه‌های تصمیم‌گیری در مورد موضوع هسته‌ای در داخل جمهوری اسلامی ایران و درک این حلقه‌ها از تهدیدات و وقایع بیرونی، استدلال می‌کند که اگرچه رهبران این دولت بارها اعلام کرده‌اند که هدف اصلی‌شان از فعالیت‌های هسته‌ای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است و مقاصد نظامی را شامل نمی‌شود، اما با توجه به درک تصمیم‌گیرندگان اصلی جمهوری اسلامی ایران از تهدیدات منطقه‌ای به خصوص از جانب رژیم صهیونیستی، می‌توان این‌گونه بیان کرد که انگیزه اصلی این دولت کاملاً امنیت‌محور و مقابله با تهدیدات است. نویسنده سپس در قسمت پایانی مقاله خود به بررسی تهدیداتی که کشورهایی همچون هند، پاکستان و یا رژیم صهیونیستی می‌توانند بر امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته باشند، می‌پردازد.

مقاله "تأثیر هسته‌ای شدن ایران بر امنیت اسرائیل" (Sadr, 2005)، از مقالات دیگری است که نویسنده آن با طرح این سؤال که هدف جمهوری اسلامی ایران از فعالیت‌های هسته‌ای چیست؟ استدلال می‌کند که اصلی‌ترین هدف این دولت از تکنولوژی هسته‌ای دستیابی به قدرت نظامی و سلاح‌های هسته‌ای است، چه به صورت ساخت و مورد استفاده قرار دادن این سلاح‌ها و چه به صورت کسب توانایی ساخت آن‌ها. سپس نویسنده بیان می‌کند که اصلی‌ترین عاملی که باعث شده تا دولت ایران به سمت هسته‌ای شدن گرایش یابد، حفظ امنیت این کشور و افزایش توانایی قدرت بازدارندگی در برابر سیاست‌های تهدیدآمیز رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه خاورمیانه می‌باشد.

رابرت هانتز نیز در مقاله خود با عنوان "ایران، چرا کشورها به دنبال سلاح هسته‌ای می‌روند؟" (Hunter, 2004)، بعد از بیان مقدمه‌ای کوتاه در مورد تاریخ فعالیت‌های هسته‌ای ایران و واکنش‌های غرب و جامعه بین‌المللی به این فعالیت‌ها، استدلال می‌کند که مهم‌ترین دلیل سازش‌ناپذیری و عدم انعطاف دولت ایران در سیاست هسته‌ای، انگیزه‌های امنیت‌محور این کشور است. به نظر هانتز هر دولت دیگری نیز که در شرایط امنیتی جمهوری اسلامی ایران قرار داشت و دارای همسایگان اتمی بود، به این سیاست روی می‌آورد. هانتز همچنین به بیان سیاست‌های خصمانه دولت ایالات متحده در طول تاریخ علیه جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و بیان می‌کند که در کنار این سیاست‌ها باید حمایت دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی و همچنین

دولت‌های عربی همسایه ایران را نیز در نظر گرفت. بنابراین، همه این شرایط باعث می‌شود جمهوری اسلامی ایران به دنبال سلاح هسته‌ای و کسب توانایی ساخت این سلاح پیش برود.

کتاب انتخاب‌های تسلیحاتی ایران / مسائل و تحلیل‌ها (ایزدی، ۱۳۸۰)، یکی دیگر از آثاری است که مجموعه مقالات آن توسط مرکز نیکسون در ژانویه ۲۰۰۱ تهیه شده و شامل نقد و بررسی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از ابعاد مختلف است. یکی از مقالات مهم این مجموعه مقاله‌ای است تحت عنوان "محیط استراتژیک ایران و سلاح‌های هسته‌ای" (چوبین، ۱۳۸۰) که نویسنده در این مقاله با توصیف محیط استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و شرایط امنیتی خاورمیانه معتقد است هدف این دولت از پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای فقط به دست آوردن سلاح‌های هسته‌ای برای ایجاد موازنه به خصوص در برابر دشمن دیرینه خود عراق است که البته با فروپاشی دولت صدام حسین و منتفی شدن خطر حمله از سوی این کشور، پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای توسط جمهوری اسلامی ایران به خصوص در ارتباط با سایر کشورهای منطقه اقدامی مغایر با منافع ملی این دولت تلقی می‌شود. در واقع نویسنده این مقاله با این مفروض که جمهوری اسلامی ایران حتماً به دنبال سلاح هسته‌ای است، دلیل مقاومت و تلاش‌های این کشور در این زمینه را به نوعی با تلاش برای کسب قدرت و رفع تهدیدات منطقه‌ای گره زده و با یک دیدگاه امنیت‌محور به این قضیه نگاه می‌کند.

مقاله "تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت و امنیت منطقه‌ای" (اسدی، ۱۳۸۶)، یکی دیگر از مقالاتی است که نویسنده در آن با نگاهی امنیت‌محور و واقع‌گرایانه استدلال می‌کند که سیاست خارجی ج.ا.ایران با کسب تجربه‌های عینی و ملموس از جنگ با دولت عراق و تحولات مربوط به آن، رویکردی مبتنی بر واقع‌گرایی پیدا کرده است. نویسنده سپس با این پیش فرض، سیاست خارجی و سیاست علمی-فناوری دولت ایران را از منظر بررسی عنصر قدرت و برداشت‌های نظری واقع‌گرایی کلاسیک و واقع‌گرایی ساختاری مورد بررسی قرار داده و معتقد است که جمهوری اسلامی ایران از بعد از جنگ با عراق عمدتاً در سه زمینه وارد فعالیت‌ها و تحقق اهداف جدید خود شد: پیشرفت علوم و فناوری‌های جدید، پیشرفت‌های اقتصادی و بازسازی توسعه و انجام پژوهش‌های نظامی در جهت تقویت نیروهای مسلح. بنابراین،

سیاست خارجی ایران بعد از جنگ دارای رویکردی مبتنی بر قدرت و واقع‌گرایی شد و برنامه‌های هسته‌ای ایران نیز در همین چارچوب نظری قابل درک می‌باشد.^۱

بخش دیگری از این آثار که البته تعدادشان از آثار امنیت‌محور به نسبت قابل توجهی کمتر است، مربوط به تحلیل‌های اقتصادی براساس رویکردهای لیبرالیستی روابط بین‌الملل می‌باشد که تأمین امنیت انرژی را انگیزه اصلی جمهوری اسلامی ایران در پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای بیان می‌کنند. در تحلیل‌های لیبرال بحث اصلی این است که دولت ایران بر اساس نیازهای اقتصادی خود به ضرورت پیگیری برنامه هسته‌ای رسیده است. نیازهای پزشکی و دارویی، نیازهای بخش کشاورزی، پایدار نبودن منابع سوختی و فسیلی و مانند این‌ها دلیل و زمینه اصلی روی آوردن دولت ایران به برنامه هسته‌ای بوده است. دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای از این دیدگاه کاملاً صلح‌طلبانه است، چرا که هدف این کشور دستیابی به خودکفایی اقتصادی، رفاه ملی، کاهش مشکلات زیست محیطی ناشی از اتکا به انرژی حاصل از فرآورده‌های نفتی و مسائلی از این دست است.

از مهم‌ترین این آثار می‌توان به مقاله "برنامه هسته‌ای ایران" (Sahimi, 2003)، اشاره کرد. در این مقاله نویسنده با مورد تردید قرار دادن ادعاهای ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی که برنامه هسته‌ای ایران را غیر صلح‌آمیز و دارای گرایش‌های نظامی خوانده‌اند، با استدلال‌های اقتصادی و استفاده از آمار و ارقام تبیین می‌کند که اگرچه جمهوری اسلامی ایران دارای منابع عظیم نفتی و گازی است، اما این مسئله به هیچ‌وجه مانع از آن نمی‌شود که این کشور به دنبال انرژی هسته‌ای در طی دو دهه آینده نباشد. سهمی بیان می‌کند که بحث امنیت انرژی به‌خصوص انرژی هسته‌ای یکی از مباحث مهم منافع ملی هر کشوری در آینده‌ای نه چندان دور خواهد شد و جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک کنش‌گر عقلانی باید در جهت تأمین این انرژی بکوشد. بنابراین، نویسنده در این مقاله با دیدگاهی کاملاً اقتصادی و با استفاده از آمار و ارقام می‌کوشد تا به خوانندگان ثابت کند، جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایلی که مهم‌ترین آن‌ها افزایش جمعیت این کشور و همچنین رو به اتمام بودن منابع نفتی و گازی است،

۱. از دیگر آثاری که در ذیل آثار انگیزه‌محور با رویکرد امنیت‌محور قرار دارد، می‌توان به مقالاتی چون: مقاله "فراتر از محور شرارت: موشک‌های بالستیک در تفکر نظامی ایران" (Taremi, 2005)، مقاله "انگیزه‌های ایرانیان در دنبال کردن برنامه‌های نظامی" (Ritcheson, 1995) و مقاله "چالش هسته‌ای ایرانیان" (Bown, 2004)، اشاره کرد.

می‌کوشد تا علی‌رغم فشارهای جامعه بین‌المللی به تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای دست یابد.

علاوه بر مقاله سهیمی، مقاله "قابلیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای دانش هسته‌ای بومی در جمهوری اسلامی ایران" (دلورپور اقدم، ۱۳۸۵) نیز از آثاری است که نویسنده آن ابتدا با نگاهی اقتصادی برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و در همین راستا به بیان قابلیت‌ها و امکانات این دولت در کسب انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای می‌پردازد. سپس نویسنده با بیان این که انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای از جایگاه بسیار مهمی در توسعه پایدار و رسیدن به اهداف چندمنظوره سند چشم‌انداز بیست ساله کشور ایران برخوردار است، به این نتیجه می‌رسد که انگیزه اصلی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌سازش‌ناپذیر این کشور کاملاً اقتصادی و برای تأمین انرژی است و این کشور باید برای رسیدن به هدف خود که همان بومی‌کردن دانش هسته‌ای است، به مذاکرات با دیدی مثبت نگاه کرده و همکاری‌های خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهد تا به مانعی برخورد نکند. ناصر ثقفی عامری نیز در مقاله خود تحت عنوان "انرژی هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای در صفحه شطرنج ژئواستراتژیک" (ثقفی عامری، ۱۳۸۷)، با بیان این که در حال حاضر تقاضا برای انرژی هسته‌ای به خاطر مصرف انرژی در تمام کشورها در حال افزایش است، استدلال می‌کند که جمهوری اسلامی ایران نیز به مانند دیگر کشورها به مسئله امنیت انرژی خود حساس بوده و آن را با دقت دنبال می‌کند. این در حالی است که به دلیل وجود منابع نفت و گاز در این کشور، ادعاهای مقامات جمهوری اسلامی ایران در صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای، غیرصادقانه و غیرقابل قبول عنوان شده و با حساسیت خاصی از سوی برخی کشورهای متخاصم دنبال می‌شود. در همین راستا، با توجه به تبلیغات گسترده رسانه‌ای علیه ایران، نگرانی‌هایی در مورد انحراف احتمالی این فعالیت‌ها به سمت سلاح هسته‌ای نیز ایجاد شده است. در حالی که به نظر نویسنده جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و تنها به دنبال آن است که در زمینه تولید انرژی خودکفا و مستقل بوده و هیچ‌گونه وابستگی به کشورهای دیگر نداشته باشد.

رویکرد سوم از رهیافت انگیزه‌محور شامل آثار معناگرایانه‌ای است که با تأکید بر هویت و مبانی هویتی جمهوری اسلامی ایران سعی می‌کنند به تبیین دلیل اصلی فعالیت‌های هسته‌ای این دولت علی‌رغم فشارهای محیطی بپردازند. در واقع در این تحلیل‌های معناگرا نقطه اصلی تمرکز این است که زمینه‌های گفتمانی و معنایی و همچنین هویتی که دولت ایران در مواجهه با محیط بیرون برای خود تعریف کرده است،

سیاست و رفتار هسته‌ای این کشور را شکل می‌دهد. در این برداشت به جای توجه و یا تأکید بر اهداف نظامی و یا اقتصادی برنامه هسته‌ای ایران، کانون توجه این است که چگونه زمینه‌های گفتمانی مناسب برای برنامه هسته‌ای این کشور صرف‌نظر از اهداف آن فراهم شده است.

یکی از آثاری که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، مقاله "بنیادهای گفتمانی سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران" (Moshirzadeh, 2007) است. نویسنده در این مقاله با نگاهی معناگرایانه و با استفاده از تحلیل گفتمان سعی کرده است به طور خاص سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را تحلیل نماید. نویسنده با بیان این که مسئله هسته‌ای ایران در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین موضوعات روابط بین‌الملل تبدیل شده است، استدلال می‌کند که سیاست انعطاف‌ناپذیر این دولت و همچنین تداوم و گسست‌های موجود در آن، نمی‌تواند صرفاً با رهیافت‌های خردگرایی روابط بین‌الملل تبیین شود. بنابراین، نویسنده می‌کوشد با استفاده از سه گفتمان عدالت، مقاومت و استقلال‌طلبی که نقش مهمی را در قوام‌دهی به هویت جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، سیاست سازش‌ناپذیر این کشور در مسئله هسته‌ای را تبیین نماید. این اثر از آن جا که بُعد تحلیلی نسبتاً جدیدی را با تکیه بر عنصر گفتمان، در ارتباط با مسئله هسته‌ای ایران ارائه می‌دهد، بسیار ارزشمند و قابل توجه است، اما به دلیل کلی بودن و مختصر بودن آن در قالب یک مقاله، نویسنده نتوانسته است به تمامی ابعاد موضوع بپردازد و جزئیات آن را به تفصیل مورد بررسی قرار داده و تجزیه و تحلیل نماید.

در میان آثار فارسی نیز کتاب هویت و سیاست هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰) از جمله معدود آثاری است که می‌توان آن را در زمره آثار معناگرایانه و سازهانگاره روابط بین‌الملل در ارتباط با مسئله هسته‌ای ایران قرار داد. نویسنده در این کتاب سؤال اصلی خود را علت سازش‌ناپذیری جمهوری اسلامی ایران در سیاست هسته‌ای علی‌رغم فشارهای محیطی مطرح می‌کند. وی سعی می‌کند با الهام از نظریه کلی سازهانگاره روابط بین‌الملل بیان کند که ساختارهای معنایی و نوع هویت شکل‌گرفته برای نظام جمهوری اسلامی ایران در صحنه نظام بین‌الملل، اصلی‌ترین علت سیاست سازش‌ناپذیر این کشور در زمینه هسته‌ای است. از آنجا که نظریه سازهانگاره روابط بین‌الملل با نگاهی معناگرایانه و بر خلاف دیدگاه خردگرایانه که بر مدل کنشگر اقتصادی استوار است، نویسنده تأکید خود را بر کنشگر اجتماعی می‌گذارد، کنشگری که بازیگر خردمند و محاسبه‌گر نبوده و براساس هویت و نقش اجتماعی‌اش رفتار می‌کند. بنابراین، در این نظریه این هویت ملی یک کنشگر است که

پایه و اساس منافع بوده و برخی از سیاست‌ها و رفتارها را در عرصه نظام بین‌الملل ایجاب و برخی دیگر را مستثنا می‌کند. در این نظریه تصور می‌شود هویت‌ها که خود اموری اجتماعی و رابطه‌ای هستند، به صورت بالقوه بخشی از رویه‌های قوام بخش کشورها بوده و در نتیجه کنش‌های آن‌ها را در داخل و خارج بر می‌انگیزند و یا به عبارت دیگر باعث تکوین رفتارهای آن‌ها می‌شوند. بنابراین، از این دیدگاه، سازش ناپذیری سیاست هسته‌ای یک دولت از جمله ج.ا.ایران در نظام بین‌الملل علی‌رغم واکنش‌ها و فشارهای ناشی از این نظام، ناشی از هویت اجتماعی آن دولت می‌باشد (برای توضیحات بیشتر بنگرید به: رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله بررسی ادبیات موجود و شناسایی دیدگاه‌های متفاوت در باب موضوع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود. همان‌گونه که بیان شد با بررسی این ادبیات به این نتیجه رسیدیم که می‌توان در آثار مربوط به موضوع هسته‌ای ایران نوعی تکثر گفتمانی و نظری یافت که خود این تکثر حاکی از برداشت‌های متفاوت از معنا و اهمیت برنامه هسته‌ای این کشور دارد. به عبارت دیگر، در ادبیات هسته‌ای ایران چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی می‌توان چندین رهیافت مهم را شناسایی نمود. مهم‌ترین این رهیافت‌ها عبارت بودند از: رهیافت تاریخ‌محور، رهیافت حقوق‌محور، رهیافت پیام‌محور، رهیافت راه‌حل‌محور و نهایتاً رهیافت انگیزه‌محور. در این مقاله همچنین بیان کردیم که مهم‌ترین این رهیافت‌ها مربوط به رهیافت انگیزه‌محور می‌شود که خود شامل سه رویکرد اصلی متأثر از سه دیدگاه نظری روابط بین‌الملل است. پیروان هر یک از این سه رویکرد درصددند تا متأثر از بنیان‌های نظری خود دلیل و یا علت اصلی برنامه هسته‌ای ایران و فعالیت‌های این کشور در این زمینه را علی‌رغم فشارهای بین‌المللی بیان کنند. به‌طور کلی فارغ از این که یک تجزیه و تحلیل‌گر سیاست خارجی و یا سیاست داخلی در تحلیل مسائل هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر کدام یک از رهیافت‌های مشخص‌شده در این مقاله باشد، باید بتواند فهم دقیقی از ادبیات مربوطه و مرزبندی‌های درونی آن و همچنین بنیان‌های نظری‌اش چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی داشته باشد تا بتواند در صورت لزوم از یک تحلیل بینارهیافتی و چندمحوری در تحلیل این مسائل استفاده نماید. تحلیلی که از هرگونه تک‌بعدی بودن به دور باشد و بتواند حتی‌الامکان تمامی ابعاد نظری موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران را در بر گیرد.

منابع

۱. احدی، افسانه (۱۳۸۵)، "اسرائیل و برنامه هسته‌ای ایران"، مطالعات خاورمیانه، ش ۲، صص. ۱۷۱-۱۸۸.
۲. اسدی، احسان، (۱۳۸۵)، مسائل هسته‌ای ایران، تهران: فکرسازان.
۳. اسدی، بیژن (۱۳۸۶)، "تأثیر توان هسته‌ای ایران بر توازن قدرت و امنیت منطقه‌ای"، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱، صص ۸-۲۵.
۴. امیدی، علی و آرزو نصری (۱۳۸۶)، "حقوق بین‌الملل و برنامه هسته‌ای ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳، صص ۲۸۱-۲۶۵.
۵. انتخاب‌های تسلیحاتی ایران / مسائل و تحلیل‌ها، (۱۳۸۰)، مترجم: پیروز ایزدی. تهران: سپاه.
۶. پوزن (۱۳۸۷)، "ایران هسته‌ای شده: یک مسئله مشکل اما قابل حل" در انتخاب‌های تسلیحاتی ایران: مسائل و تحلیل‌ها، مترجم: پیروز ایزدی، تهران: معاونت پژوهشی سپاه پاسداران، صص ۸۷-۱۰۶.
۷. پرکوویچ، جورج (۱۳۸۷) "پیامدهای جهانی دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح‌های هسته‌ای" در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، داوود غرایق زندی، تهران: مطالعات راهبردی.
۸. پرکوویچ، جورج (۱۳۸۷)، "تغییر منافع هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران" در انتخاب‌های تسلیحاتی ایران: مسائل و تحلیل‌ها، مترجم: پیروز ایزدی، تهران: معاونت پژوهشی سپاه پاسداران.
۹. تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، (۱۳۸۶)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۷)، "انرژی هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای در صفحه شطرنج ژئواستراتژیک"، مترجم: افسانه احدی، راهبرد، ش ۴۷، صص ۴۲۲-۴۱۰.
۱۱. چوبین، شهرام (۱۳۸۰)، "محیط استراتژیک ایران و سلاح‌های هسته‌ای" در انتخاب‌های تسلیحاتی ایران: مسائل و تحلیل‌ها، مترجم: پیروز ایزدی، تهران: معاونت پژوهشی سپاه پاسداران، صص ۵-۲۳.
۱۲. دارمی، سلیمه (۱۳۸۶)، "وقایع‌نگاری تحولات هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۶" در پرونده هسته‌ای ایران - روندها و نظرها، تهران: ابرار.
۱۳. دلاورپور، مصطفی، (۱۳۸۷)، ایران هسته‌ای نمادی در برابر نظام هژمونیک، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۴. دلاورپور اقدم، محسن (۱۳۸۵)، "قابلیت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای دانش هسته‌ای بومی در جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مجلس و پژوهش، ش ۴۹-۵۰، صص ۷۸-۱۰۱.

۱۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۶)، "هویت و منافع در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران" در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مطالعات راهبردی.
۱۶. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۶)، "رویکرد اعراب نسبت به مسئله هسته‌ای ایران"، مطالعات خاورمیانه، ش ۲، صص ۸۶-۵۵.
۱۷. رسولی ثانی‌آبادی، الهام، (۱۳۹۰)، "هویت و سیاست هسته‌ای نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: ابرار.
۱۸. ساعد، نادر (۱۳۸۵)، "فراز و فرود حقوق هسته‌ای ایران از شورای حکام تا شورای امنیت"، دوفصلنامه پژوهش حقوقی، ش ۹، صص ۶۴-۴۷.
۱۹. ساعد، نادر (۱۳۸۶)، "حقوق در بند سیاست، تحلیل قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت در خصوص برنامه هسته‌ای ایران"، دو فصلنامه پژوهش حقوقی، ش ۱۱، صص ۸۹-۱۱۰.
۲۰. سادات میدانی، حسین (۱۳۸۳)، "نگرش حقوقی به موافقت‌نامه پاریس درباره برنامه هسته‌ای ایران"، دوفصلنامه پژوهش حقوقی، ش ۶، صص ۸۰-۶۴.
۲۱. ستاری، سجاد (۱۳۸۳)، "طرح و تبیین رویکردهای استراتژیک آمریکا و اسرائیل در قبال سیاست‌های اتمی ایران"، فصلنامه برداشت دوم، ش ۴، صص ۴۱-۲۳.
۲۲. غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۷)، برنامه هسته‌ای ایران، واقعیت‌های اساسی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۳. غریب‌آبادی، کاظم، (۱۳۸۶)، موضوع هسته‌ای ایران به روایت اسناد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۴. غریب‌آبادی، کاظم، (۱۳۸۶)، دستاورد هسته‌ای دولت نهم. تهران: مرکز اسناد و پژوهش ریاست جمهوری.
۲۵. فلاحی، سارا (۱۳۸۶)، "بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد"، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ش ۱، صص ۹۳-۱۱۵.
۲۶. لوگان، جرج (۱۳۸۷)، "هزینه‌ها و منافع جنگ پیش‌گیرانه در مقابل بازدارندگی" در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، داوود غرایاق زندی، تهران: مطالعات راهبردی.
۲۷. هاوالت، داریل (۱۳۷۸)، تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، مترجم: احمد علیخانی. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

28. Bowen, W and Kidd J (2004) "The Iranian Nuclear Challenge", International Affairs, Vol 80, No 2, 257-279.
29. Entessar, N (2009) "Iran's Nuclear Decision Making Calculus", Middle East policy, Vol XVI, No 2, 26-38.
30. Hunter, R. (2004) "The Iran Case: Addressing Why Countries Want Nuclear Weapons", Arms Control Today, Vol 34, No 2, 22-35.
31. Kemp, G (2003) "How To Stop Iranian Bomb?", The National Interest, Vol 72, 48-58.

32. Kern, S (2006) "Can Multilateralism End the Nuclear Stand off with Iran?", in <http://www.RealInstituteElcano>, 1-14 (6/2/2009).
33. Moshirzadeh, H. (2007) "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, Vol 38, No 4, 521-543.
34. Ozcan, N. and O, Ozdamar (2009) "Iran's Nuclear Program and the Future of Us-Iranian Relations", *Middle East Policy*, Vol XVI, No 1, 133-121.
35. Perkowich, G. (2005) *Iran Is Not an Island: A Strategy To Mobilize the Neighbors*. Policy Brief. Washington, DC: Carnegie Endowment for International Peace.
36. Parsi, T. (2007) "Iran and Israel: The Avoidable War", *Middle East Policy*, Vol XIV, No 3, 79-85.
37. Rashid, M and A, Kinjo (2009) "Modeling and Analysis of Iran's Nuclear Conflict", *International Journal of Computer Science and Network Security*, Vol 9, No 11, 31-52.
38. Ritcheson, Ph.L (1995) "Iranian Military Resurgence: Scope, Motivations, and Implications for Re Security", *Armed Forces and Society*, Vol 21, No 4, 42-53.
39. Sadr, E. (2005) "The Impact of Iran's Nuclearization on Israel", *Middle East Policy*, Vol 12, No 2, 58-72.
40. Sagan, S and K, Waltz (2003) *The Spread of Nuclear Weapons: A debate Renewed*. New York: Norton.
41. Sahimi, M. (2003) "Iran's Nuclear Program" in [http://www, Payvand.com](http://www.Payvand.com) (5/3/2010).
42. Sahimi, M, MojtahedZadeh, P & Kaveh Afrasiabi (2003) "Iran Needs Nuclear Power", in <http://www.nytimes.com>. (14/7/2009).
43. Waltz, K. and S, Sagan (2003) *The Spread of Nuclear Weapons, A Debate*. New York and London: Norton.
44. Weiss, L. (2009) "Israel's Future and Iran's Nuclear Program" *Middle East Policy*, Vol XV, No 3, 79-101.
45. Zak, Chen (2004) *Iran's Nuclear Policy*. Washington: Washington Institute for Near East Policy.